



بررسی تاثیر فاصله جغرافیایی از کانون سیاسی کشور بر توسعه پایدار استان ایلام

شهین یاسمی^۱، هادی اعظمی^۲، حمداله سجاسی قیداری^۳

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲: دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: sh.yasemi@mail.um.ac.ir

چکیده

از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن است. در کشورهایی که با سیستم متمرکز اداره می‌شوند مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور بیشترین نقش را دارند و به دلیل اینکه این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت یکسان ظاهر نمی‌شوند لذا امکانات مورد نیاز مردم و منابع هم به طور برابر و عادلانه در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند. تجمع امکانات و ثروت در نقاط مرکزی باعث اختلاف سطح توسعه در نقاط مرکزی و پیرامونی شده است. استان‌های مرزی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند و با وجود داشتن ظرفیت‌های بالا در سطوح مختلف توسعه همچنان از نظر شاخص توسعه یافتگی در سطح پایینی قرار دارند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش فاصله از مرکز سیاسی کشور بر توسعه پایدار استان ایلام مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شده است که نشان می‌دهد فاصله جغرافیایی از عوامل توسعه نیافتگی استان‌های مرزی است.

کلمات کلیدی: فاصله جغرافیایی، عدالت فضایی، توسعه پایدار، کانون سیاسی، استان ایلام

۱. مقدمه

تقسیم سرزمین به واحدهای جغرافیایی کارآمد بر مبنای شاخص‌های متعدد صورت می‌گیرد؛ از جمله فیزیوگرافیک، اقلیمی، شکل سرزمین، تراکم جمعیت، ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، زبان، نژاد، متغیرهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی و غیره. ساختارهای سیاسی در هر کشور بر مبنای علت وجودی و اثرگذاری عوامل یادشده، تقسیم‌بندی‌های ویژه‌ای پدید می‌آورد که بازنمایی‌های این نوع نگرش در عرصه فضای جغرافیایی در شکل‌های تقسیمات کشوری بازتاب می‌یابد. در الگوی بسیط و متمرکز، گونه‌های تقسیمات کشوری به خواست و تصمیم مقامات سیاسی بستگی دارد. در این الگو، شکل فضا پایدار نیست و بسیار تغییرپذیر است و نیروهای مداخله‌گر در شکل‌یابی فضا نقش آفرینی فعال دارند. ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس سیستم متمرکز اداره می‌شود. در این نظام، مؤلفه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی



بیشترین نقش را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفاء می‌کنند و چون این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت هماهنگ ظاهر نمی‌شوند و لذا منابع و امکانات مورد نیاز مردم هم به طور یکسان در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند، در نتیجه نابرابری‌های منطقه‌ای افزایش یافته، باعث شکل‌گیری قطب‌های رشد و توسعه در تعدادی از مراکز می‌شود (اسد زاده، ۱۳۹۲: ۱). با توجه به اینکه تحلیل سیستم‌های بسیط متمرکز برای کشورهای دارای تنوع محیط جغرافیایی و تکثر گروه‌های انسانی نشان می‌دهد که این سیستم‌ها با چالش‌هایی چون فقدان عدالت جغرافیایی، فقدان یکپارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی فضا، مشارکت مقطعی و دولت‌محور، بوروکراسی شدید، چالش‌های ناحیه‌ای و محلی، توسعه کند و ناپایدار، شبکه ارتباطی تمرکزگرا، بزرگ شدن کانون سیاسی کشور و کانون‌های ناحیه‌ای تحت تأثیر تمرکز سرمایه و پول، تمرکز نهادهای حکومتی در مرکز مواجه است و کشور ایران نیز دارای چنین نظام سیاسی است. دوری از مرکز بخصوص در نظام‌های حکومتی بسیط باعث عقب‌ماندگی مناطق مرزی از حیث توسعه همه‌جانبه شده که این مناطق را از نظر شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین حد قرار داده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸). توسعه پایدار راه تازه‌ای برای رسیدن به آرمان‌های بشر همراه با حفظ منابع و امکانات برای آیندگان است. از آنجاکه واژه توسعه پایدار دربرگیرنده کلیه مفاهیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و زیست‌محیطی است، حصول به آن نیازمند عزم ملی و همیاری تمام بخش‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و ارائه برنامه جامع در این زمینه است (پور جعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). هدف این پژوهش بررسی نقش فاصله از کانونی سیاسی کشور بر توسعه پایدار استان ایلام است. سؤال اصلی پژوهش این است که فاصله جغرافیایی از کانون سیاسی کشور چه تأثیری بر توسعه پایدار استان ایلام دارد. مفروض پژوهش نیز این‌طور به نظر می‌رسد که؛ دوری از کانون سیاسی کشور باعث شده است که استان ایلام از نظر توسعه پایدار در شرایط مطلوبی نباشد.

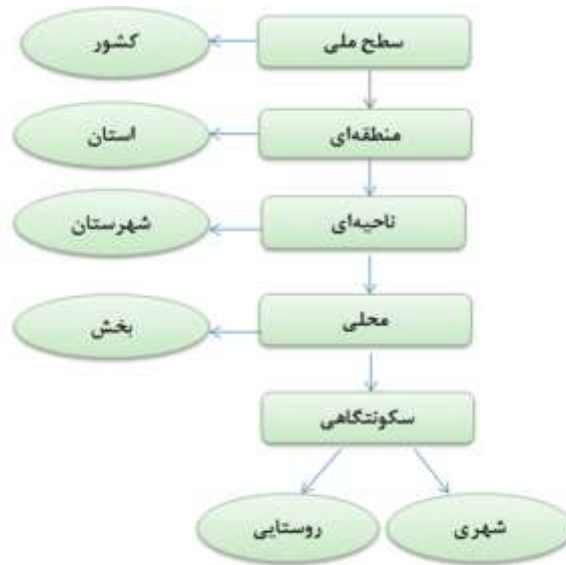
۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. عدالت فضایی / جغرافیایی

عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از: برابری نسبی شاخص‌های توسعه جامع (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و...) در مکان‌ها و فضاها جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور، منطقه و جهان با شاخص‌های توسعه متناظر، در سطح ملی (کشوری)، منطقه‌ای و جهانی (حافظ نیا، ۱۳۸۸).

۲-۱-۱. نظریه عدالت فضایی

درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی، مشروط بر درک رابطه متقابل سیاست و فضا است. درباره مفهوم عدالت، اندیشمندان بسیاری اظهار نظر کرده‌اند. در جغرافیای سیاسی، مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خود خارج شده و به سطح عینیت می‌رسد یا به عبارتی دیگر، مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود. عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های توسعه جامع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ... در مکان‌ها و فضاها جغرافیایی (خرد و کلان) یک قلمرو، نظیر کشور با شاخص‌های توسعه متناظر آن در سطح بالاتر، به‌ویژه سطح ملی همان کشور (حافظ نیا، ۱۳۸۸). مکانیسم دستیابی به عدالت فضایی نیز تا حد زیادی آمایش سرزمین است. در این راستا باید شاخص‌های متناظر توسعه واحدهای سیاسی-فضایی در سطوح سکونت‌گاهی، محلی، منطقه‌ای و ملی یک کشور تعریف و استاندارد شوند؛ بدین منظور لازم است نظام حسابداری جغرافیایی در ارتباط با شاخص‌های توسعه در تمامی سطوح تقسیمات سیاسی کشور، استانداردسازی و تبیین گردد تا بدین وسیله هم فرازوفرودهای شاخص‌ها ارزیابی و کنترل گردد و هم بانک اطلاعاتی جامع در تمام سطوح یادشده تشکیل شود. مقایسه شاخص‌های توسعه در واحدهای سیاسی نسبت به شاخص سطح ملی، میزان شکاف‌ها و تفاوت‌های فضایی واحدهای یادشده را از منظر عدالت فضایی نمایان می‌گرداند (همان). نظام حسابداری جغرافیایی مبتنی بر شاخص‌های متناظر توسعه جامع مکان و فضا را می‌توان در مدل زیر به نمایش گذاشت:



شکل ۱: نظام حسابداری جغرافیایی مبتنی بر شاخص‌های متنظر توسعه جامع (محمد رضا حافظ نیا، ۱۳۸۸)

عدم تعادل‌های فضایی منجر به عدم توزیع منابع مالی و اعتبارات جاری و عمرانی و در نتیجه موجب تشدید نابرابری و شکاف بین واحدهای سیاسی مختلف در زمینه‌های گوناگون می‌شود. به فراخور این شرایط نابرابر، میزان سرمایه‌گذاری‌های مختلف، از جمله سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در وضعیتی که نابرابری‌ها تشدید شود، جامعه دچار تنش می‌شود و بین حاکمیت و مردم حالت بی‌اعتمادی و سپس تعارض به وجود می‌آید که در چهارچوب استراتژی ملی، در نهایت همبستگی، یکپارچگی و قدرت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشور را با تهدیداتی، همچون تجزیه و هرج و مرج روبه‌رو می‌سازد. در تقابل بین حکومت و مردم از منظر جغرافیای سیاسی، این مردم هستند که باقی می‌مانند، زیرا در جغرافیای سیاسی، سرزمین به‌عنوان زیستگاه مردم و ملتی که در آن زیستگاه زندگی می‌کنند، اصالت و نقش زیربنایی دارد؛ در حالی که حکومت از موقعیت روبنایی برخوردار است (همان).

۲-۲. عوامل مؤثر بر ایجاد فرصت‌های نابرابر

۱-۲-۲. نقش انزوای جغرافیایی

حاشیه‌ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصاد جهان است. در این صورت با سه سطح شامل: نقاط حاشیه‌ای، مناطق حاشیه‌ای و یا کشورهای حاشیه‌ای مواجه هستیم که جمگی از نظر درجه توسعه از دیگر نقاط یا مراکز اقتصادی هم‌عرض عقب‌ترند. پدیده‌ی حاشیه‌ای بودن، بیشتر دارای ماهیتی اقتصادی است و با پدیده‌ی جغرافیایی دوری از مرکز مشترکات فراوانی دارد. در اغلب کشورهای جهان سوم - از جمله در ایران - پدیده حاشیه‌ای بودن بر پدیده‌ی دوری از مرکز تا حدود زیادی منطبق است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). در ایران انزوای جغرافیایی اکثر استان‌های مرزی که بر بستر عوامل طبیعی، موقعیت جغرافیایی، پراکندگی منابع آن و ویژگی‌های توپوگرافی استوار است با نارسایی‌های بزرگ و تنگناهای شبکه ارتباطی درونی و بیرونی استان‌ها تثبیت شده است.

۲-۲-۲. نقش دوری از مرکز



شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و فضایی مناطق کشور حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز-حاشیه، هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی، از توسعه یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. این نسبت در مناطقی از حاشیه که از حیث متغیرها و نیروهای ژرف با بخش مرکزی نامتجانس هستند، به کمترین میزان می‌رسد، این نابرابری، شائبه وجود تبعیض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت می‌کنند و اعتمادبخش حاشیه‌ای را از بخش مرکزی و دولت مرکزی سلب می‌کند و پتانسیل واگرایی را در این مناطق افزایش می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

۲-۳. دوری از مرکز، مسئله اصلی مناطق مرزی

مهمترین مسئله مناطق مرزی اما دوری از مرکز است. در حالی که طبق داده‌ها و آمار موجود، اغلب مناطق برخوردار کشور، در مناطق مرکزی کشور قرار دارند، این مناطق مرزی هستند که بار اصلی بیکاری، فقر و حاشیه‌نشینی بر دوش استان‌های مرز نشین است و استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان غربی و کردستان بیش از میانگین کشوری با جمعیت بیکاران مواجه هستند. دوری از مناطق مرکزی همچنین باعث می‌شود تا ساکنان مناطق مرزی، دسترسی کمتری به امکانات بیمارستانی، درمانی، آموزشی، دانشگاهی، تجاری و اداری داشته باشند. رساندن خدمات شبکه ملی آب، برق، گاز و مخابرات به مناطق مرزی همواره دشوارتر از مناطق مرکزی است این در حالی است که بخش بزرگی از منابع معدنی کشور و به ویژه نفت و گاز در استان‌های مرزی کشور قرار دارند و ورودی اصلی گمرکات کشور نیز در این استان‌ها مستقر است. در نتیجه همین چالش‌ها است که می‌توان گفت استان‌ها مرزی ایران، اغلب با چالش‌ها و بحران‌های جدی در مقایسه با استان‌های غیرمرزی کشور مواجه هستند و مسائل و مشکلات بیشتری دارند که نیازمند توجه بیشتر مسوولان و مدیران دولتی به این استان‌ها و ساکنان مناطق مرزی آن است (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸).

۲-۴. توسعه مناطق مرزی

محدوده جغرافیایی فراتر از مراکز زیست و فعالیت (مانند شهر و روستا) و خردتر از مرزهای ملی را منطقه گویند. براین اساس توسعه منطقه‌ای عبارت از مفهوم توسعه برای مردم در محدوده فضایی موردنظر است. روند توسعه باید همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب‌های ساکنین در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیانجامد تا توسعه انسانی باشد (صرافی، ۱۳۷۹، ۴۱). چنانچه منطقه از یک یا چند طرف با کشورهای مجاور همسایه باشد منطقه مرزی به وجود می‌آید که توسعه در آن نیز مفهوم توسعه منطقه است. با توجه به این مفهوم از توسعه منطقه‌ای که تأکید بر توسعه انسانی با محوریت نیازمندی‌های مادی و معنوی است. می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های زیر را در توسعه مناطق مرزی استنتاج و ارائه نمود:

۱- ابعاد توسعه مناطق مرزی با ابعاد توسعه‌ی کشور درهم تنیده‌اند به عبارت دیگر توسعه مناطق مرزی با توسعه ملی از رابطه‌ای متقابل برخوردارند.

۲- مناطق مرزی محل تلاقی برنامه‌های توسعه داخل کشور با برنامه‌های توسعه کشور همسایه است. بدین جهت تأثیر متقابل این برنامه‌ها بر یکدیگر که می‌تواند منفی (تهدید) و یا مثبت (فرصت) تلقی شوند باید مدنظر قرار گیرند.

۳- مناطق مرزی علاوه بر تأثیرپذیری از شرایط و ویژگی‌های مربوط به کل کشور، متأثر از مسائل و ویژگی‌های خاص مناطق مرزی است، خصوصیات مانده دور از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومیت‌ها و مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها و کاهش میزان نظارت و کنترل دولت مرکزی بر آن‌ها که این عوامل نیز بر توسعه مناطق مرزی تأثیرگذارند.



۴- با توجه به منابع انسانی و شرایط طبیعی جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی، می توان از طریق های نظامی (سیستمی) هماهنگ، برنامه ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرارداد. (عندلیب، ۱۳۸۰، ۱۰).

۵-۲. توسعه پایدار

تعریف توسعه پایدار بسیار مشکل است و تعاریف بسیاری که در متون مختلف وجود دارد هر یک بر جنبه ای از توسعه پایدار تأکید بیشتری دارند (صادقی و قنبری، ۱۳۸۸، ۳۱). «توسعه پایدار بر آن است تا از طریق توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و مسئولیت پذیری محیطی، جامعه انسانی را به سوی دنیایی خوب، زیست پذیر و دوام یافتنی رهنمون سازد.» در این معنا، هسته مرکزی مفهوم پایداری بر حفظ و نگه داشت ذخایر سرمایه ای استوار است؛ در حقیقت توسعه پایدار چیزی جز حفظ ذخایر سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی نیست (پور طاهری و همکاران، ۴، ۱۳۸۹). در تعریف دیگری توسعه پایدار به معنای «تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب زدن به توانایی نسل های بعدی برای برآوردن نیازهایشان است.» «اعلامیه ریو» انسان را محور توجهات توسعه پایدار می شناسد و انسان ها را مستحق یک زندگی سالم و مولد همراه با همسازی با طبیعت می داند (UN، ۲۰۰۱، ۴).

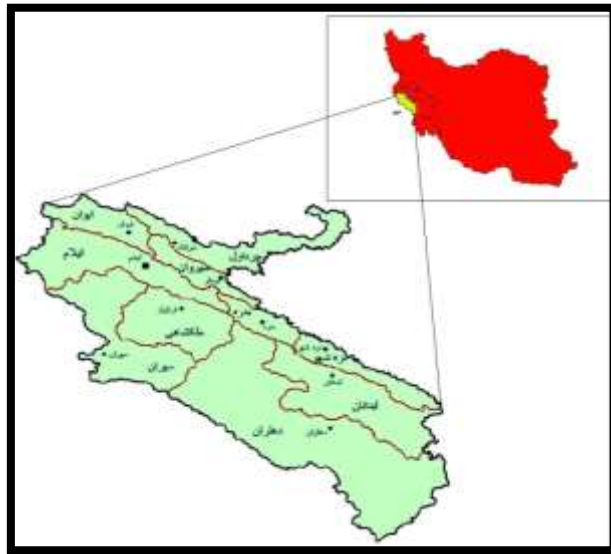
۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش توصیفی -تحلیلی است. جمع آوری اطلاعات در این تحقیق با استفاده از روش مطالعات اسناد و مدارک، مطالعات کتابخانه ای و کاوش از طریق پایگاه های اطلاع رسانی اینترنتی و پرسشنامه صورت گرفته است.

۴. یافته های تحقیق

۴-۱. نگاهی به ویژگی های محدوده مطالعه:

استان ایلام با ۲۰۱۳۸ کیلومتر مربع، حدود ۱/۲ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می دهد. این استان در غرب سلسله جبال زاگرس در گوشه غربی کشور واقع شده است. این استان از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است و از سمت غرب دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است. استان ایلام در پایان سال ۱۳۹۶، دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ بخش، ۲۵ شهر، ۴۹ دهستان، ۶۷۶ آبادی دارای سکنه است. شهر چشمه سفید در شهرستان بدره، سال ۱۳۹۷ به شهر ارتقاء یافته به این ترتیب تعداد شهرهای استان به ۲۶ شهر افزایش یافته است. استان ایلام در منطقه ای کوهستانی در حاشیه جنوب غربی رشته جبال زاگرس قرار گرفته است قسمت زیادی از مساحت استان را مناطق کوهستانی و یا تپه های ماهور تشکیل می دهند که با شیب های تندی به دشت های کم ارتفاع منتهی می گردند. فاصله این استان تا مرکز سیاسی کشور حدود ۶۷۰ کیلومتر است که قسمتی از مسیر کوهستانی و دارای راه های ارتباطی پر پیچ و خم است و همچنین فاصله زمانی با وسیله نقلیه شخصی و عمومی بین ۸ تا ۱۰ ساعت است. استان ایلام فاقد خط ریلی است.



شکل ۲: موقعیت استان و شهرستان‌های ایلام در کشور (ترسیم نگارنده ۱۳۹۸)

۲-۴. بررسی درجه توسعه یافتگی استان ایلام:

ایلام استانی کوچک در غرب کشور با ۲۰۱۳۸ کیلومتر مربع وسعت است و ۱/۲ درصد مساحت کشور را در بر می‌گیرد. ایلام در سال ۱۳۵۳ به عنوان یک استان جدید موقعیت خود را در تقسیمات سیاسی کشور تثبیت نمود. پیکره محیط طبیعی ایلام بجز بخش کوچکی در جنوب شدیداً ناهموار و کوهستانی است. این استان تا سالیان متمادی از حوزه برنامه ریزی های ملی و برنامه های عمرانی به دور مانده و در یک موقعیت حاشیه ای نسبت به مقر حکومت و مراکز قدرت و تصمیم گیری قرار داشته است، ولی از دهه چهل، به دلایل نظامی، اداری و سیاسی مورد توجه دولت قرار گرفته است. با این وجود روند توسعه این استان به دلیل حاشیه ای بودن با کندی صورت گرفته و علی رغم برخورداری از منابع عظیم طبیعی توجه زیادی به آن نشده است، بطوری که هم اکنون یکی از استان های محروم کشور بشمار می رود. در ذیل به برخی از پژوهش های علمی و نتایج آنها که توسط محققان دانشگاهی در مورد سطح توسعه یافتگی استان های کشور انجام شده است، اشاره می شود:

* در پژوهشی که توسط دکتر اصغر ضرابی با عنوان «تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران» در سال ۱۳۸۹ انجام شده است، استان ایلام، جز مناطق محروم و با امتیاز ۲/۲۷- و در رده ۲۷ قرار گرفته است.

* در پژوهشی که توسط دکتر صیدایی و همکاران ایشان با عنوان «دیبچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه های توسعه اجتماعی در ایران» در سال ۱۳۸۸ انجام شده است، استان ایلام در زمره مناطق خیلی محروم قرار گرفته است.

* در پژوهشی که توسط احمد فیروز آبادی و همکاران تحت عنوان «مطالعه شاخص ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان های nosto activate Windows کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی» انجام شده است، استان ایلام از نظر توسعه اجتماعی در رتبه ۲۸ قرار داشته است.

* در پژوهشی که توسط شیخ بیگلو با عنوان «شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه بندی ترکیبی» در سال ۱۳۹۰ انجام شده است، استان ایلام در زمره مناطق با سطح پایین توسعه قرار گرفته است.



در تحقیق حاضر تأثیر فاصله جغرافیایی از کانون سیاسی تا استان ایلام بر چهار شاخص توسعه موردسنجش قرار داده شده است. برای هر شاخص که شامل شاخص فرهنگی-اجتماعی، شاخص اقتصادی، شاخص زیست محیطی و شاخص سیاسی است متغیرهایی در نظر گرفته شده است. نتایجی که بعد از تحلیل داده‌های کمی و کیفی تحقیق به دست آمد نشان می‌دهد که استان ایلام از نظر شاخص فرهنگی-اجتماعی وضعیت مطلوبی نداشته باشد. این سطح توسعه در متغیرهایی همچون اماکن تفریحی، کتابخانه، سینما و تئاتر، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها، جاذبه‌های گردشگری، موزه‌ها، خدمات اقامتی بیشتر چشمگیر است. با اینکه استان ایلام از ظرفیت‌های خیلی خوبی برای جذب گردشگر برخوردار است ولی زیرساخت‌های لازم برای این صنعت را ندارد. فاصله جغرافیایی از مرکز باعث شده شاخص اقتصادی در این استان دارای وضعیت مطلوبی نباشد. در استان ایلام با اینکه ظرفیت‌های فراوانی برای رشد اقتصادی وجود دارد ولی تاکنون نتوانسته است به یک قطب فعال اقتصادی تبدیل شود. دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی باعث شده استان فاقد راه‌های ارتباطی مناسب و داشتن خط آهن باشد. با وجود داشتن ذخایر مناسب نفت و گاز، بهره‌مندی از موقعیت مرزی مناسب و نزدیک‌ترین مرز به عتبات عالیات، بهره‌مندی از موقعیت و قدمت تاریخی استان به‌منظور توسعه گردشگری مذهبی، عشایری، فراوانی نسبی آب، امکان مهار آن و وجود دشت‌های بزرگ برای فعالیت‌های کشاورزی و آبی‌پروری، قابلیت تنوع‌بخشی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، گمرک بین‌المللی، پایانه صادراتی، منطقه ویژه اقتصادی مهران، دارا بودن ذخایر معدنی با کمیت و کیفیت مطلوب، زمینه توسعه صنایع دستی بخصوص فرش دستبافت و گلیم نقش برجسته و ... هنوز از نظر شاخص اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد. تعداد بیکاران در استان و مهاجرت به استان‌های مرکزی جهت یافتن کار گواهی بر این واقعیت است. استان ایلام از نظر شاخص محیط‌زیست نیز دارای وضعیت نامطلوبی است. چندین سال است که شاهد پدیده ریز گرد‌ها در استان هستیم که اثرات مخربی بر سلامتی افراد، پوشش گیاهی و حیات وحش این استان داشته است. استان ایلام با مشکلاتی همچون دفع فاضلاب، بازیافت زباله، آتش‌سوزی و قطع درختان جنگل، هدر رفتن آب در بخش کشاورزی، فقدان کمربندی در برخی شهرها، وجود آلودگی‌های طبیعی در برخی از رودخانه‌ها، عدم تعریف کاربری‌ها و ضعف تقسیم‌کار سرزمینی و... روبرو است. شاخص سیاسی در این استان نیز وضعیت مطلوبی ندارد. عدم انتصاب نخبگان سیاسی استان در بالاترین سطوح سیاسی کشور، وابستگی سیاسی استان به نواحی پیرامونی که استقرار دفتر نفت و گاز غرب کشور در استان کرمانشاه علی‌رغم این همه منابع و ذخایر فراوان در استان ایلام شاهدهی بر این واقعیت تلخ است. عدم مشارکت نخبگان در مدیریت استان، ارجحیت داشتن روابط سببی و نسبی بر شایسته‌سالاری در انتصاب برخی مسئولین، عدم داشتن برنامه‌ریزی صحیح و سیاست‌گذاری مناسب در راستای رشد مطلوب، عدم هماهنگی بین نهاده‌ها و سازمان‌ها در اجرای برخی طرح‌ها و... از شرایط پایین بودن توسعه سیاسی در استان خبر می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

کمبود زیرساخت‌های توسعه و محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید که از ویژگی‌های مناطق مرزی ایران است همواره جامعه علمی را بر آن داشته تا با مطالعات و پژوهش‌هایی در این باره بتوانند عوامل مختلف این امر را شناسایی و در پی یافتن راهی برای زدودن محرومیت و فقر از چهره این مناطق باشند. بیش از نیمی از استان‌های ایران در پیرامون نقشه جغرافیایی کشور قرار دارند که هرکدام دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی هستند که می‌تواند این استان‌ها را از لحاظ شاخص‌های توسعه بالا ببرد ولی تاکنون اکثر این استان‌ها نتوانسته‌اند از این ظرفیت‌ها آن‌گونه که باید استفاده کنند. ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس سیستم متمرکز اداره می‌شود و همواره چنین کشورهایی با چالش‌هایی چون فقدان عدالت جغرافیایی، فقدان یکپارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی فضا، مشارکت مقطعی و دولت‌محور، بوروکراسی شدید و... روبرو هستند. عوامل مختلفی می‌تواند در این امر دخیل باشد. یکی از این عوامل فاصله جغرافیایی مناطق پیرامونی با مرکز سیاسی کشور است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که استان ایلام نیز متأثر از عامل فاصله جغرافیایی تا کانون سیاسی کشور از نظر توسعه‌یافتگی وضعیت مطلوبی ندارد و با وجود داشتن منابع عظیم طبیعی همچون نفت و گاز و معادن مختلف و... جمعیت خیلی کم هنوز جز استان‌های محروم کشور به شمار می‌رود.

منابع



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معمارے و شهرسازی ایران



۱. اسدزاده، هانیبه (۱۳۹۲)، بررسی نقش سیاست‌های منطقه‌ای توسعه بعد از انقلاب در تمرکززدایی تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
۲. پورجعفر، محمدرضا، خدئی، زهرا، پورخیبری، علی (۱۳۹۰)، رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و بارزہ‌های توسعه پایدار شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره سوم.
۳. پورطاهری، مهدی و همکاران (۱۳۸۹)، سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی؛ با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱، ۱-۲۴.
۴. حافظ نیا، محمدرضا، «مباحث کلاسی درس ژئوپلیتیک»، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸، نیم سال دوم.
۵. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۶. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۷. صادقی، حسین و علی قنبری (۱۳۸۸)، تحولات اقتصادی ایران ۲، تهران انتشارات سمت.
۸. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۹. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج ۱، تهران، دوره عالی جنگ، چاپ اول.
۱۰. UN. (۲۰۰۱), Guidance in preparing national sustainable development strategies, New York.